

## روژنه

### نښايد خسته شد

### عرفان بلخاری

● دکتړ پلاک بریتانیایی درباره امیرکیر می گوید: میرزا تقی خان مظهر وطن پرستی بود یعنی همان اصلی که در ایران مجهول است، امیرکبیر در سال ۱۳۳۰ شمسی در جایی صدها کیلومتر دورتر از پایتخت در بی خبری و غربت کشته می‌شود نه به دست انگلیسی‌ها و روس‌ها، بلکه به دست هم‌وطنان خود. در حقیقت مرگ امیر نه‌تنها عامل خارجی ندارد، بلکه برآیند وضعیت و خواست غیرمستقیم جامعه ایران است. مردام‌ها سال ۱۳۳۲ است، حکومت دکتر محمد مصدق، شخصی که نفت – این میراث ملت ایران را ملی کرده است– سقوط می‌کند، اما چگونه است یک حکومت ملی و مردمی به وسیله تنها چند میلیون پول خارجی‌ها سرنگون می‌شود؟ کافی است حدود یک ماه به عقب برگردیم روز ۳۰ تیر سال ۱۳۳۲، زمانی که اولین سالگرد جنبش مردمی ۳۰ تیر در حال برگزاری است، مردمی که سال قبل از مصدق حمایت کرده بودند، ترجیح دادند در خانه بمانند، انگار از وضعیت اقتصادی و مشکلات معیشتی خود خسته شده بودند و ترجیح می‌دادند از بازی‌های هرروزه سیاسی کنار بکشند. مردم سیاست بی‌تفاوتی را در پیش گرفته بودند؛ سیاستی که تنها بازنده آن خودشان بودند؛ در زمانی که آنها نسبت به وضعیت کشور بی‌تفاوت شده بودند و در خلا حضورشان حالا ارش و شعبان جعفری‌ها می‌توانستند با اندکی پول آمریکایی کودتا کنند. ۵۲ سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد یعنی سال ۱۳۸۴، هشت سال است که دولت اصلاحات سر کار بوده، حافظه کوتاه تاریخی ما مانع از آن شده که تغییرات انجام‌شده در این هشت سال را به خاطر بیاوریم، ما با صندوق‌های رای قهر می‌کنیم. در حالی که ۱۸ میلیون در انتخابات شرکت نمی‌کنند فردی با ۱۷ میلیون برنده انتخابات می‌شود. مردم ایران به جای آنکه منطقی به روند طی‌شده در این هشت سال نگاه کنند (روندی که سال‌های بعدی حسرت آن را خوردند)، احساسی فکر می‌کنند و گذشته را از یاد می‌برند و دست به انتخاب محمود احمدی‌نژاد می‌زنند تا به قول خود به تغییرات راف دهند. اما کدام تغییرات؟ در حقیقت رفتار منفعلانه ما بود که باعث شد احمدی‌نژاد بر مسئله قدرت بنشیند تا فساد، دروغ، تورم، بی‌کاری، وضعیت بد اقتصادی و هر آنچه در آن ایام رخ داد، نتیجه رفتار ما باشد.

### ما محکومیم

### به امیدواربودن

### سیدعلیرضا مسبوق

● بی‌نوایی ما در عرصه سیاست، ریشه در این واقعیت دارد که غالباً درس‌ها و تجربه‌های گذشته را زود فراموش می‌کنیم! برخلاف اینکه ما در تجربه‌های ناخوشایند فردی و خانوادگی که شایسته است به سرعت آنها را دور بریزیم و کله و دکدورت‌های مربوط به آن را برای بهبود حال امروز و آینده خود و خانواده‌مان پاک کنیم، عادت داریم در گذشته بمانیم و حواشی و تاجپاش را هر روز به رخ خود و دیگران بکشیم؛ در حالی که در امور مهم مربوط به زندگی جمعی و سیاسی‌مان عمدتاً عادت‌مان داده‌اند یا منفعلانه با ژست‌های توجیه‌گرانه، کنار بکشیم یا بی‌توجه به گذشته، بزرگ چهره‌ها را باور کنیم و با دورریختن سابقه خود و ریز و هرکس و به‌فراموشی سپردن نتایج رویدادها و اندیشه‌های گذشته که امتحان خود را بارها پس داده است، خود را در توهم یک فردای غیرواقعی، غوطه‌ور کنیم؛ تا مصداق این گفته فیلسوف آمریکایی جورج سانتایانا شویم: آنان که گذشته را از یاد می‌برند به تکرار آن محکوم‌اند.

درست با اشتباه، بخش زیادی از موقعیت و شرایط امروز، نتیجه تصمیمات، رفتارها و عکس‌العمل‌های گذشته خود ماست،

همگی‌مان بر یک مَرکَب سواریم!

عده‌ای که باور دارند یکی از راه‌های موجود،

آنان را به شهر مطلوب مدنظرشان هدایت می‌کند، تکلیفش‌ا روشن است؛ عزمشان را جزم

می‌کنند برای دراختیارگرفتن افسار مَرکَب، تا در

مسیر دلخواه، هدایتش کنند. اما دیگران و دگراندیشان چه؟ چاره‌ای نیست! یا باید از مَرکَب پیاده شویم و به قدر توشه، راهی دیگر در پیش بگیریم یا بنشینیم و با توجیه اینکه هیچ‌کدام از این راه‌ها ما را به شهر هدف‌مان نمی‌رساند، توان و زمان را در دهر دهر و فرصت را برای دیگران فراهم کنیم که افسار مَرکَب را به جهت هدایت آن در مسیر مطلوب خود در اختیار گیرند.

در این صورت دیگر گله‌مندبودن‌مان ناموجه به نظر می‌رسد.

### پژواک

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس



## از هیجان‌های انتخاباتی تا پابدها و شاید‌های حمایت از دولت

# شور شیرین ۹۶

### سیداحمد مرتضوی

زمانی که از تدبیر صحبت شد، کسان زیادی به آن دلگرم شدند و در واقع مردم سکان پاستور را به دست کسی دادند تا طبق قانون در امور مملکت تدبیر کند و امید یافریند و مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد.

در کارزار انتخاباتی هر گروه به فکر این است که برنده نهایی باشد و در این راستا شاید بتوان گفت به هر شکل (البته باید ماجرا، مشروع، منطقی و مقبول باشد) تمام توانش را به کار می‌گیرد تا به هدف برسد. البته باید قبول داشته باشیم که حدود و ثغوری را باید رعایت کرد. در این راستا کاندیدای صلاحیت‌دار و نیز گروه یا گروه‌های حامی وی باید بتوانند جامعه رای‌دهندگان را از گروه‌های مختلف، مردان و زنان، جوانان و پیران، کارمندان، سیاستون، نخبگان، دانشجویان و فرهیختگان، فعالان بخش‌های فرهنگی، تجار و بازاریان، دختران و پسران، همه و همه را مجاب کند تا به وی رای دهند، یعنی او را بپذیرند و برنامه‌هایش را قبول کنند. او باید بتواند تفهیم کند که نیازهای طبقات مختلف را درک کرده و برای رفع نیازهای آنها برنامه دارد و توانایی این را دارد که کسانی را گرد هم آورد تا

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
دیده‌ی است
انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی هم‌راهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.

کارزار انتخاباتات هر آنچه گفته می‌شود در حافظه مردم می‌ماند تا چند ماه بعد به مطالبه جدی تبدیل شود. مردم می‌دانند چه می‌خواهند و کدام شعار قابلیت اجراشدن دارد. هنگامی که گفته می‌شود یارانه زیناد می‌شود، مردم به بررسی می‌پردازند که آیا این مبلغ جوابگوی نیازهای زندگی امروزی هست یا اینکه آیا اساساً امکان این افزایش وجود دارد؟ در مقابل وقتی گفته می‌شود با دنیا تعامل کنیم و از تنش و تقابل دور باشیم، مردم خود به قضاوت نشسته و با حسابگری دقیق گزینه صحیح را انتخاب می‌کنند. گذشته از آن، اینکه یارانه ملت را افزایش می‌دهیم، نه‌تنها حلال مشکلات نیست و تاسی با روحیه بلند ایرانیان ندارد و کسی نمی‌تواند با افزایش مختصری در درآمد مردم آنها را مجاب به برنامه خود کند. البته نباید فراموش کنیم یارانه حق بخشی از مردم است و باید به آنها داده شود و هیچ دولتی نمی‌تواند متنی بر مردم داشته باشد.

همه باید باور داشته باشیم چه در دولت باشیم یا نباشیم، چنانچه قدمی برای ملت برداشتیم در درگاه الهی مخفی نخواهد ماند و موقع حساب به‌عنوان امتیازی برای ما محاسبه خواهد شد. همچنین شما را به خدا، اگر شایسته کاری نیستیم یا قانونی نباید در مشاغل خاصی باشیم، مرد و مردانه کار را به اهتش و به آنتهایی که قانون به آنها اختیار داده است واگذار کنیم؛ اگر این‌گونه شود به نفع همه ملت ایران اعم از تمام گروه‌ها و مشاغل خواهد بود. نگارنده معتقد است همه مسئولان بدون هیچ کم و کاست و به‌دور از هرگونه ریاکاری باید در خدمت مردم باشند و باید مصالح مردم را بر مصالح شخصی یا گروهی مقدم بدارند و اما اعتدالیون فقط به این یکی، دو دوره بسنده نکنند و برای دهه‌های متمادی برنامه‌ریزی ممکن را داشته باشند. وظیفه‌ای بر گردن بزرگان اعتدالی است که به تربیت مدیرانی لایق برای آینده کشور بپردازند. ملت ایران به اثبات رسانده است که روش میانه‌روی و اعتدال را بیشتر پذیراست. حال که این وظیفه بر دشمنان نشسته، حکم قاطع ملت ایران را ارج نهمی و کسائی را خارج از حلقه‌های تنگ جناحی برای آینده کشور آماده کنیم. نکند خدای‌ناکرده پس از ریاست‌جمهوری دکتر روحانی سرنوشت اصولگرایان گریبانگیر اعتدال شود و با دستی تهی در صحنه رقابتی به‌مراتب سخت‌تر از امروز حاضر شویم.

# کشف سرقت علمی، نعل وارونه مدعیان اخلاق

### سید روح‌اله منصوری

۱- اولین محور ادعای مطروحه مطابقت حدود ۴۰ درصد مقدمه و فصل‌های اول تا سوم رساله دکتر روحانی با سایر متون علمی است. برای کسی که با نرم‌افزارهای کشف سرقت علمی آشنایی نداشته باشد، این سوءتفاهم ایجاد می‌شود (و اتفاقاً دروغ‌پردازان هم به دنبال القای همین هستند) که در مقدمه و سه فصل مذکور ۴۰ درصد تقلب و سرقت علمی انجام گرفته است. نگارنده به‌عنوان کسی که در بهترین دانشگاه‌های اروپا (انگلیس و آلمان) در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تحصیل کرده و می‌کند، با نرم‌افزارهای تشخیص سرقت علمی آشنایی کامل دارم، زیرا چندین‌بار مقالات مختلف درسی خود را مطابق مقررات دانشگاه، به نرم‌افزارهای مذکور تسلیم کرده‌ام.

کلمه Plagiarism در انگلیسی به معنای استخفاف و اقباس از متون علمی بدون ذکر منبع است. چنین عملی تقلب و تخلف قطعی بوده و می‌تواند بر حسب مورد به اخراج از دانشگاه یا ابطال مدرک منجر شود.

سطح پایین‌تر این مسئله، به‌کاربردن حجم بالایی از نقل‌قول‌های مستقیم و بدون تغییر از منابع دیگر و البته با ذکر منبع است. این کار به‌هیچ‌عنوان تقلب نیست ولی به دلیل تنزل‌دادن کیفیت تحقیق، دانشجویان از این عمل منع می‌شوند.

۲- در تحقیقات آکادمیک حقوقی استفاده از نقل‌قول مستقیم با ذکر مأخذ به میزان مورد اشاره، نه‌تنها باعث افت کیفیت نمی‌شود، بلکه در

# رای‌دادن در تگزاس

### انسیه محسنی

طرف‌های ظهر بود که راه افتادیم برای رفتن به محل رای‌گیری. خوشبختانه شهری که در آن زندگی می‌کنیم؛ یعنی هیوستن، یکی از پنج شهر محل هتل رای در ایالت تگزاس بود. محلی که اعلام شده بود هتلی بود در مرکز شهر. پیداکردنش سخت نبود. وقتی وارد حیاط هتل شدیم، یک صف طولانی دم در ورودی جلب توجه می‌کرد. بعد از خوش‌وبش با چهره‌های آشنا، آخر صف ایستادیم. حدود ۶۰ نفری می‌شدیم. بعضی‌ها می‌گفتند از محل کار مرخصی گرفته‌اند. بعضی از دانشگاه آمده بودند، بعضی بچه همراهشان بود و حتی چند خانم باردار هم در صف دیده می‌شد. آفتاب سسوزان تگزاسی امان همه را بریده بود، اما همه مشتاق و امیدوار در صف منتظر بودند. می‌گفتند مدیریت هتل موافقت نکرده که این جمعیت در لابی هتل منتظر بمانند و به‌اجبار صف بیرون تشکیل شده بود. مدتی منتظر شدیم. خبر

دادند کسانی که بچه همراهشان هست، می‌توانند از در دیگری وارد شوند و زودتر رای دهند.

اسم‌نویسی کردیم و در صفی جداگانه داخل هتل منتظر شدیم. مشغول گفت‌وگو با دیگر ایرانی‌ها و یکی از مسئولان رای‌گیری شدیم، همه با روی باز و خندان مثل کسانی که سال‌های سال است همدیگر را می‌شناسیم کنار هم قرار گرفته بودیم. شاید بی‌دلیل هم نبود. همه به یک علت آنجا بودیم: ایران عزیز و این‌سا را به‌هم نزدیک می‌کرد. تا اینکه همان مسئول با روی خوش گفت که نوبتان رسیده. وارد اتاق کوچک‌تری شدیم که عده‌ای مشغول ثبت‌نام بودند، چندنفری از رای‌دهندگان هم در حال نوشتن یا درصندوق انداختن رای. روی باز و ادب مسئولان، روحیه‌بخش بود. درعین‌حال سعی می‌کردند با سرعت کارهای ابتدایی را انجام دهند. رایمان را نوشتم و به دست پرسکمان توی صندوق انداختم.

ادامه در صفحه ۷

## دریچه

### الان زمان عمل است

### پیمان قاسم‌زاده

● دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری هم تمام شد و برگ زرین دیگری از مردم‌سالاری و مشارکت مردمی بر صفحه تاریخ ایران‌زمین نقش بست. این انتخابات که می‌توان از آن به‌عنوان سیاسی‌ترین انتخابات ایران نام برد، دارای نکات قابل تامل زیادی بود که هریک در جای خود باید مورد بحث و کنکاش قرار گیرد. از همه‌های شدید علیه دولت، وعده‌های بی‌برنامه، مستمسک قراردادن دین و اخلاق مردم و… گرفته تا صبر و بردباری و استقامت مردمانی که ساعت‌ها پای صندوق منتظر مشارکت در آینده خود بودند. اما آنچه بیش از همه جلوه کرد و خود را نشان داد نمایان‌شدن دوست و دشمن و شناخت بار از یارنماها بود. آنان که دولت را نه برای مردم و خدمت به آنان، بلکه برای دستیابی به منافعشان دوست داشتند و به قول معروف همان فاتحان شنبه‌ای بودند که همیشه و در همه حال حاضرند این روزها با هویدا کردن هویت واقعی‌شان درسی به دیگران دهنده که باید نیک اندیشیده شود.

مدیران و مسئولانی که نه تنها به واسطه پست‌شان بی‌طرفی را رعایت نکردند، بلکه از حضور در جلسات مخالفان دولت تا سنگاندازی در استقرار ستادهای روحانی و فعالیت علیه دولت هیچ ابایی نداشتند. آنان‌که در طول خدمت‌شان در چهار سال گذشته نه دل در گرو دولت داشتند و نه برای رضایت مردم از روحانی، قدمی برداشتند و موجی از ناراضیاتی را در دل ملت ایجاد کرده و امیدوار بودند که در اردیبهشت ۹۶ میوه آن را بچینند و به قولی که به بزرگان خود داده‌اند وفا کنند… آنان‌که با اکتا بر نظرسنجی‌های ساختگی، رئیس‌جمهور را فردی غیر از روحانی می‌دانستند و نگران بودند که مبادا از قافله ارادتمندان جا بمانند.

اما آنچه در این ایام اتفاق افتاد وقای به‌عد، استمرار در تحقق اهداف و حضور در صحنه از سوی کسانی بود که در چهار سال گذشته نه‌تنها به بازی گرفته نشدند بلکه فرصت خدمت و ایفای مسئولیت هم از آنان گرفته شد و چه بسا از آنچه داشتند و حقشان بود نیز محروم شدند. در آن روزها آنچه بیش‌ازپیش خود را نشان می‌داد حضور چهره‌ها و افرادی بود که با همه بی‌مهری‌ها، دغدغه‌ها و دلخوری‌هایشان از مسیر اعتدال خارج نشدند و امیدوارانه برای تحقق فردای بهتر، زمینه‌ساز حماسه ۲۹ اردیبهشت شدند. آقای رئیس‌جمهور! امروز فرصتی مغتنم برای قدرانی از آنانی است که مظلومانه در کنارتان ماندند و تمام سختی‌ها را تحمل کردند. امروز فرصت گران‌بهای برای همراهی با دوستان واقعی‌تان است که هیچ‌گاه اسیر یأس و رخوت نشدند و شرایط دولت یازدهم را برای رسیدن به توسعه و عبور از بحران‌های داخلی و خارجی درک کردند.

### تنها دولت معصوم

### بی‌اشتباه است

### مهرداد شبیری

● خبرسازی‌هایی که علیه دولت شد، هیچ‌کدام جواب نداد. من نمی‌گویم دولت معصوم است، من نمی‌گویم خطا ندارد. غیر از دورانی که سیستم در دست معصوم‌علیه‌السلام باشد… آن چیزی که عموم مردم آگاهانه یا ناگاهانه از حکومت‌ها انتظار دارند، گرایش ذاتی آنها به معصوم‌علیه‌السلام است که دوست دارند در آن شیوه قرآنی مدیریت شود منتها بحث در این است که آیا می‌توان یا نه؟ اینکه دقیقاً عین معصوم‌علیه‌السلام حکمرانی کرد، قطعاً محال است. اما می‌توان فاصل را کم کرد. در دورانی که رشته حکومت هم به دست معصوم‌علیه‌السلام بود، باز هم تخلفاتی می‌شد. باز هم دزدی و اختلاس و دیگر فسادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بورس بود. مشاهده مستندات تاریخی، این را به‌خوبی بیان می‌کند بنابراین نباید انتظار داشت قطعاً می‌توان مدینه‌ای فاضله آفرید چراکه خواست‌های نفسانی افراد، متفاوت است و درجه تقوای آنها متغایر!

من با افتخار تمام، به حسن روحانی رای دادم. به هزار و یک دلیل. با بررسی‌های مختلف ابعاد، آنهایی‌که می‌گویند این رای اشتباه بود، مختار هستند رای خود را به دیگری بدهند. همچنان که من نمی‌توانم درباره آرای آنها نظر دهم، آنها هم نمی‌توانند درباره رای من و ائمان من نظر دهند. چراکه همه آنها تأیید صلاحیت شده و از طریق کانال‌های قانونی و مشروع، وارد عرصه رقابت شده‌اند. پس حرفی در این نیست، بختی نیست، سنگ‌اندازان، دلیل این‌همه عداوت را از درون خود بجویند و آن را رفع کنند، وگرنه همیشه دچار بغض و کینه خواهند بود. من خرسندم که رای ما در این دوره نافذ بود و فردی با تدبیر و کفایت، با تکیه بر مردم و آرای دموکراتیک، بر کرسی دولت تکیه زد. اما همیشه در هر دوره‌ای باید مراقب بود تا هیچ دولتی دست از پا خطا نکند و افسار مملکت را به دست توفان بلاها و حوادث نیساند.